



گفت‌وگو با دکتر «میلااد بگی» عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا

فرصت طلایی پنجره جمعیتی

در میان دو دسته موافقان و مخالفان افزایش جمعیت، دسته‌ای دیگر موافق حد متناسب جمعیت هستند و تأکید بر میزان مناسبی از رشد جمعیت دارند. به این معنا که توانایی یک سرزمین برای تأمین جمعیت آن یک امر ثابت نیست و دائماً در حال تغییر است و لذا رشد جمعیت و توسعه اقتصادی - اجتماعی بایستی به موازات هم پیش برود و بین آن‌ها تعادل برقرار باشد. به نظرم برای تعیین آهنگ مناسب رشد جمعیت کشور بایستی به روند توسعه اقتصادی - اجتماعی بنگریم و بر اساس آن برای جمعیت کشور برنامه‌ریزی کنیم. مهم‌ترین دارایی کشور ما در حال حاضر سرمایه جوانی است که در اختیار داریم که برای استفاده از این استعداد با چالش‌های عمده‌ای روبرو هستیم. به‌طور کلی از آنجا که اقتصاد و جمعیت ارتباط نزدیکی با هم دارند، بایستی همزمان روی هر دو متمرکز شد. این تنها راهی است که می‌تواند باعث بهبود سریع توسعه اقتصادی و استاندارد زندگی جامعه شود.

جمعیت یکی از مولفه‌های اساسی قدرت در هر جامعه‌ای است، اما تنها عنصر ممکن نیست. یک کشور برای قدرتمند شدن، علاوه بر اینکه نیاز به حجم کافی از جمعیت دارد، بایستی جمعیتی مولد و کارآمد داشته باشد. صرف داشتن یک جمعیت زیاد نمی‌تواند به قدرت و پیشرفت یک جامعه منجر شود. مهم‌ترین ویژگی جمعیت حال حاضر کشورمان پنجره جمعیتی است که به روی ما باز شده است. ما تورم جوانی را تجربه می‌کنیم.

مهم‌ترین موضوع جمعیت در حال حاضر پنجره جمعیتی است که حدود دو دهه از باز شدن آن می‌گذرد ولی ما نتوانستیم از آن بهره‌مند شویم. در ادامه مشروح گفت‌وگو با دکتر میلااد بگی عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا را بخوانیم.



توانایی یک

سرزمین برای

تأمین جمعیت

آن یک امر ثابت

نیست و دائماً

در حال تغییر

است. لذا رشد

جمعیت و توسعه

اقتصادی-

اجتماعی بایستی

به موازات هم

پیش برود و

تعادل بین آن‌ها

برقرار باشد؛

بنابراین از نظر

من برای تعیین

آهنگ مناسب

رشد جمعیت

کشور بایستی

به روند توسعه

اقتصادی-

اجتماعی آن

بنگریم و بر اساس

آن برای جمعیت

کشور برنامه‌ریزی

کنیم.

موقعیت خود را در بازار کار ثبات ببخشند. این عوامل سبب شده است تا افراد ازدواج و فرزندآوری خود را به تأخیر بیندازند و در نتیجه روندهای رشد جمعیت همچنان نزولی باشد. به طوری که بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، نرخ رشد جمعیت کشور برای اولین بار به کمتر از یک درصد در سال رسیده است.

◆ به نظر شما افزایش جمعیت برای کشورمان با چه روندی می‌تواند سیاست‌درستی باشد؟

در رابطه با نرخ مناسب رشد جمعیت نمی‌توان اظهار نظر قطعی و دائمی داشت. در طول تاریخ همواره موافقان و مخالفان رشد جمعیت وجود داشته و دلایل خود را نیز ارائه کرده‌اند. آنچه مسلم است اینکه روند افزایش جمعیت بایستی هماهنگ و همگام با رشد امکانات و منابع موجود و در دسترس باشد تا نتایج منفی به بار نیآورد. در میانه دو دسته موافقان و مخالفان افزایش جمعیت، دسته دیگری وجود دارند که موافق حد متناسب جمعیت هستند. در اینجا تأکید بر میزان مناسبی از رشد جمعیت است. به این معنی که توانایی یک سرزمین برای تأمین جمعیت آن یک امر ثابت نیست و دائماً در حال تغییر است. لذا رشد جمعیت و توسعه اقتصادی-اجتماعی بایستی به موازات هم پیش برود و تعادل بین آن‌ها برقرار باشد؛ بنابراین از نظر من برای تعیین آهنگ مناسب رشد جمعیت کشور بایستی به روند توسعه اقتصادی-اجتماعی آن بنگریم و بر اساس آن برای جمعیت کشور برنامه‌ریزی کنیم.

◆ چه تحلیلی از روند رشد جمعیت کشور ارائه می‌نمایید؟

برای بررسی روند رشد جمعیت کشور بایستی به اطلاعات حجم و تعداد جمعیت مراجعه کنیم. به‌طور کلی از زمان انجام اولین سرشماری در ایران، جمعیت کشور همیشه روندی افزایشی داشته است. جمعیت کشور در سال ۱۳۳۵ برابر با ۱۸,۹ میلیون نفر بود و در آخرین سرشماری یعنی در سال ۱۳۹۵ به ۷۹,۹ میلیون نفر رسیده است که بیانگر این است که طی ۶ دهه (۱۳۳۵-۱۳۹۵) ۴,۲ برابر شده است. جمعیت کشور در حال حاضر بیش از ۸۴,۵ میلیون نفر است.

بر این اساس، می‌توان دریافت که متوسط نرخ رشد سالیانه جمعیت کشور در دوره ۱۳۳۵-۱۳۹۵ حدود ۲,۴ درصد بوده است. با این حال، بایستی توجه داشت که علیرغم اینکه روند حجم و نرخ رشد جمعیت همواره افزایشی بوده است، اما این افزایش به‌صورت یکنواخت نبوده است و شاهد اوج و فرودهایی در رشد جمعیت کشور بوده‌ایم. برای مثال بیشترین متوسط نرخ رشد جمعیت مربوط به دوره ۱۳۶۵-۱۳۵۵ با ۳,۹ درصد در سال است. عوامل متعددی سبب این رشد بالای جمعیت بود. نخست اینکه از این مقدار، ۰,۷ درصد به دلیل مهاجرت بوده است. در این دوره ما شاهد ورود آوارگان عراقی و افغانستانی به کشور بودیم و این امر به افزایش حجم و نرخ رشد جمعیت کمک کرده است. مابقی این رشد جمعیت (۳,۲ درصد) به عواملی همچون توقف برنامه‌های تنظیم خانواده پس از وقوع انقلاب، توسعه بهداشت، کاهش مرده‌زایی و سیاست‌های تشویقی ازدواج برمی‌گردد. در این دوره سیاست‌های تنظیم خانواده متوقف شد. توسعه بهداشت و احداث گسترده خانه‌های بهداشت بویژه در مناطق روستایی و اقدامات توسعه‌ای سبب کاهش شدید مرگ‌ومیر نوزادان شد. همچنین میانگین سن قانونی ازدواج کاهش یافت. در کنار همه این موارد خوش‌بینی افراد نسبت به آینده که به سبب وقوع انقلاب اتفاق افتاده بود سبب شد تا کشور با پدیده بیش‌زایی مولید (بیبی یوم با انفجار مولید) روبه‌رو شود.

در طرف مقابل پایین‌ترین میزان رشد جمعیت سالیانه مربوط به دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۰ است. در این دوره، جمعیت کشور به‌طور متوسط سالیانه ۱,۲۴ درصد افزایش داشت. از مهم‌ترین دلایل کاهش رشد جمعیت کشور بویژه در یک دهه اخیر می‌توان به عواملی همچون افزایش تحصیلات دانشگاهی، افزایش میانگین سن ازدواج و در نتیجه باقی ماندن فرزندان در خانه والدین تا سنین بالا، وجود مشکلات اقتصادی، بیکاری و از همه مهم‌تر تغییرات ارزشی و نگرشی در رابطه با ازدواج و خانواده بویژه در بین جوانان اشاره کرد. دیدگاه جوانان امروزی برای تشکیل زندگی مشترک با نسل‌های گذشته متفاوت است. آن‌ها زمان طولانی‌تری را صرف آموزش و تحصیل می‌کنند. الگوهای تشکیل خانواده نیز تغییر کرده و بیشتر مردان و زنان قبل از تشکیل خانواده قصد دارند تا

امروزی، افزایش شدید جمعیت می‌تواند معضل بیکاری را حادثر سازد. رشد سریع جمعیت به معنای ورود تعداد زیادی از افراد به بازار کار است. تعداد افراد جویای کار همچنان در حال گسترش است و علیرغم همه تلاش‌ها در راستای ایجاد اشتغال، این امکان برای همه فراهم نشده است. در واقع افزایش سریع جمعیت، حل مشکل بیکاری را برای ما تقریباً غیرممکن می‌سازد.

رشد سریع جمعیت همچنین می‌تواند زیرساخت‌های اجتماعی را نیز دچار مشکل کند. دولت بایستی نیازهای اجتماعی مردم را برآورده کند و به این منظور بایستی هزینه‌های زیادی را برای تأمین امکانات اولیه مانند آموزش، مسکن و کمک‌های بهداشتی متقبل شود. در شرایطی که دولت امروزه با مشکلات اقتصادی زیادی روبرو است، افزایش سریع جمعیت، این بار را سنگین‌تر می‌کند. همین مشکلات اقتصادی یکی از دلایلی است که برخی در موفقیت برنامه‌های دولت در اجرای مشوق‌های اقتصادی که برای فرزندآوری در نظر گرفته است، تردید دارند.

یکی از مهم‌ترین اثرات نامطلوب افزایش سریع جمعیت، تأثیرات منفی آن بر محیط‌زیست است. جمعیت بیشتر به معنای مصرف بیشتر و فشار بیشتر بر منابع زیست‌محیطی است. ما در سالیان اخیر شاهد خشک شدن رودها، قطع کردن درختان و نابودی جنگل‌ها، خشک شدن تالابها، برداشت بی‌رویه از منابع آبی زیرزمینی در اثر حفر چاه‌های غیرقانونی و ... بوده‌ایم. مشکل کم‌آبی حتی سبب بروز تضادهای قومی و قبیله‌ای در برخی مناطق کشور شده است. ما حتی با کشورهای همسایه بر سر حقایق بحث و اختلاف نظر داریم. بایستی توجه کرد که هم‌اکنون نیز برخی از مناطق کشور غیرقابل سکونت است و این امر سبب توزیع نامتناسب جمعیت شده است. کم‌آب شدن دریاچه ارومیه و ناتوانی در احیای آن در سالیان گذشته علیرغم تلاش‌های انجام شده، بیش از پیش سناریوی خشک شدن آن در آینده‌ای نزدیک را به واقعیت تبدیل می‌کند. کارشناسان معتقدند که خشک شدن کامل دریاچه حتی می‌تواند به نابودی کشاورزی منطقه بینجامد. این‌ها تنها بخشی از مشکلات زیست‌محیطی موجود است.

و اینکه در چند دهه آینده تعداد سالمندان در کشور افزایش خواهد داشت و این امر چنانچه با افزایش شدید میزان باروری همراه شود (هرچند غیرمحمتمل به نظر می‌رسد) می‌تواند باعث افزایش نسبت‌های وابستگی شود. این امر امکان تشکیل سرمایه را کاهش می‌دهد؛ زیرا تعداد افراد وابسته و غیرمولد در سنین کودکی و کهن‌سالی افزایش می‌یابد.

◆ نظر شما در مورد چگونگی بهره‌برداری از استعدادهای سرزمینی

در اختیار کشور چیست؟

به نظر بنده مهم‌ترین دارایی کشور ما در حال حاضر سرمایه انسانی جوانی است که در اختیار داریم. با این حال برای استفاده

هرگونه سیاستی برای افزایش یا کاهش جمعیت بایستی بر اساس برنامه و پیش‌بینی‌های علمی باشد. شکی نیست که افزایش بی‌رویه و شدید جمعیت بیش از آنکه پیامدهای مثبت داشته باشد، عواقب منفی در پی خواهد داشت. هم‌اکنون سالانه حدود یک میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده می‌شود. بخش جمعیت سازمان ملل هر ساله پیش‌بینی‌های جمعیتی بر اساس سه سناریوی حد بالا، پایین و متوسط برای همه کشورها ارائه می‌دهد. پیش‌بینی‌های انجام شده بر پایه اطلاعات سال ۲۰۲۲ در مورد ایران نشان می‌دهد جمعیت ایران در سال ۲۰۵۰ بر اساس سناریوی حد بالا به ۱۱۰ و بر اساس سناریوی حد وسط به ۱۰۰ میلیون نفر خواهد رسید.

ما بایستی به منابع موجود نگاه کنیم و ببینیم که می‌توانیم نیازهای چه تعدادی از جمعیت را برآورده سازیم. پس از آن برای افزایش جمعیت تصمیم بگیریم.

◆ با افزایش شدید جمعیت و با افزایش معتدل آن چه نتیجه‌ای به بار خواهد آمد؟

اگر به مشکلات حال حاضر جامعه دقت کنید، متوجه خواهید شد که بخشی از این مشکلات به دلیل رشد انفجاری جمعیت در دوره پس از انقلاب و بویژه دهه ۱۳۶۰ شمسی است. در شرایط



می‌دهند. این درحالی است که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران در سال ۱۳۹۸ برابر با ۱۷ درصد بود که از تمامی کشورهای مسلمان منطقه کمتر است. پایین بودن نرخ فعالیت زنان در ایران به معنای آن است که در استفاده از بخش بزرگی از نیروی انسانی نتوانند و کارآمد در کشور ناتوان بوده‌ایم حال آنکه زنان می‌توانند نقش مهمی در توسعه اقتصادی و بهبود شرایط اجتماعی ایفا کنند.

◆ اصولاً به لحاظ علمی و تجربه جهانی، چگونگی وضعیت اقتصادی و تغییرات آن چه تأثیری بر روند تغییرات جمعیتی دارد؟

بدون شک یکی از مهم‌ترین عوامل در تغییرات جمعیتی، وضعیت اقتصادی جامعه است. البته رابطه جمعیت و اقتصاد را می‌توان یک رابطه دوطرفه همراه با پیچیدگی‌های خاص دانست. از یک‌طرف، حجم، ساختار، توزیع و جابجایی جمعیت می‌تواند توسعه اقتصادی را تسریع و یا کند سازد. برای مثال مهاجرت نخبگان می‌تواند توسعه اقتصادی در مبدأ را آهسته و در مقصد سرعت بخشد. یا اینکه یک کشور توسعه‌یافته با تراکم جمعیتی پایین و نسبت کم جمعیت در سن کار و فعالیت، برای تداوم توسعه اقتصادی خود نیاز به افزایش جمعیت دارد. حال آنکه برای یک جامعه توسعه‌یافته با تراکم جمعیتی بالا که تعداد جمعیت زیادی نیز در سن کار فعالیت قرار دارند، افزایش بی‌رویه جمعیت برای اقتصاد آن مضر خواهد بود.

در طرف دیگر، مطالعات مختلف نشان می‌دهد که روندهای جمعیتی همزمان با دوران‌های رونق و رکود اقتصادی دچار تغییر می‌شوند. در دوران معاصر، موضوعاتی مثل اطمینان و امنیت اقتصادی، دستیابی به یک شغل ثابت و داشتن مسکن مناسب اغلب به‌عنوان پیش‌شرط‌های مهم ازدواج و تشکیل خانوارهای جدید در نظر گرفته می‌شوند.

نتایج مطالعات ما در مورد شکل‌گیری خانوارهای جدید توسط جوانان در ایران نشان داد که در دوره‌هایی که میزان بیکاری و رکود اقتصادی افزایش می‌یابد یا هزینه‌های مسکن بالا می‌رود از احتمال شکل‌گیری خانوار توسط جوانان کاسته می‌شود. همچنین عدم اطمینان اقتصادی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در به تأخیر انداختن ازدواج و فرزندآوری در کشور نقش داشته است. البته این امر مختص ایران نیست و حتی در کشورهای توسعه‌یافته غربی نیز دیده می‌شود. عدم اطمینان اقتصادی یک مؤلفه کلیدی در کاهش میزان‌های باروری و عدم تشکیل خانوارهای جدید در کشورهای با درآمد بالا بوده است. این امر بویژه در دوره رکود اقتصادی بزرگ سال ۲۰۰۸ کاملاً آشکار است. در فاصله ۲۰۰۸-۲۰۱۷ قیمت مسکن در بسیاری از شهرهای بزرگ اروپایی به‌سرعت افزایش یافت. به‌طوری که برخی از افراد مجبور بودند تقریباً یک‌چهارم از درآمد و دستمزد خود را صرف مسکن کنند. در بسیاری از کشورها دستمزدها کاهش پیدا کرد و بسیاری از افراد

از این استعدادها با چند چالش عمده روبرو هستیم. نخست، عدم توانایی ایجاد شغل کافی برای جوانان. با وجود وعده‌های بسیاری که دولت‌های مختلف در طی دهه‌های گذشته داده‌اند، هنوز نتوانسته‌ایم شغل کافی برای جوانان فراهم کنیم. میزان بیکاری جوانان بالا است. این رقم در سال ۱۳۹۵ حدود ۳۰ درصد و در سال ۱۴۰۰ برابر با ۲۳٫۶ درصد گزارش شده است. همچنین به‌طور متوسط حدود سه سال طول می‌کشد تا یک فارغ‌التحصیل دانشگاهی بتواند کار پیدا کند.

چالش دوم، خروج نیروهای جوان و مستعد از کشور است که عمدتاً نیز دانش‌آموخته دانشگاهی هستند. نرخ خالص مهاجرتی ما منفی است و بر اساس داده‌های بانک جهانی در سال ۲۰۱۷ تعداد ۲۴۸ هزار نفر از جمعیت کشور به‌واسطه مهاجرت کاسته شده است. مطالعات داخلی نیز آمارهای نگران‌کننده‌ای در این زمینه ارائه می‌دهند. سالنامه مهاجرتی کشور در سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹؛ ۳۷٫۲ درصد المپیدی‌ها، ۲۵٫۵ درصد اعضا بنیاد ملی نخبگان و ۱۵٫۴ درصد رتبه‌های زیر هزار آزمون سراسری در خارج از کشور زندگی می‌کنند. همچنین یافته‌های یک پژوهش انجام شده توسط رصدخانه مهاجرت ایران در شهریور ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از فعالان حوزه استارت‌آپ، ۴۰ درصد از پزشکان، پرستاران، محققان و اساتید دانشگاهی و ۴۴ درصد از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها تصمیم به مهاجرت دارند. هرچند تصمیم به مهاجرت با عمل به آن فرق دارد، اما این اعداد و ارقام نگران‌کننده است. معضل بیکاری بسیاری از دانش‌آموختگان دانشگاهی، سبب هدررفت این سرمایه انسانی شده است. ما برای آن‌ها تنها شرایط تحصیل را فراهم کردیم و در زمانی که بایستی حاصل آن را برداشت کنیم، کاری کرده‌ایم که کشور را ترک کنند و سایر کشورها از این موهبت استفاده کنند. به عبارتی پنجره جمعیتی ما برای کشورهای توسعه‌یافته اروپایی و آمریکای شمالی باز شده است. در یکی از همایش‌هایی که در مورد جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵ برگزار شد، دکتر رسول صادقی معاون وقت موسسه مطالعات جمعیتی کشور به این نکته اشاره کرد که ایران با اینکه رتبه ۱۲ را در مخزن استعداد (پنجره جمعیتی-تحصیلی) در جهان دارد، رتبه اول در عدم بهره‌برداری از این استعدادها را به خود اختصاص داده، آمارهای موجود نشان می‌دهد که از آن زمان تاکنون تغییرات چندانی در این زمینه حاصل نشده است.

سومین مشکلی که ما در بهره‌برداری از استعدادهای سرزمینی داریم مربوط به زنان است. ما همچنین نتوانسته‌ایم از نیروی کار زنان که حدود نیمی از جمعیت کشور را شامل می‌شوند، استفاده لازم را داشته باشیم. نکته قابل توجه اینکه بسیاری از این زنان دارای تحصیلات دانشگاهی هستند. آن‌ها بیش از ۴۶ درصد از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را تشکیل

در چند دهه آینده تعداد سالمندان در کشور افزایش خواهد داشت و این امر چنانچه با افزایش شدید میزان باروری همراه شود (هرچند غیرمحتمل به نظر می‌رسد) می‌تواند باعث افزایش نسبت‌های وابستگی شود. این امر امکان تشکیل سرمایه را کاهش می‌دهد؛ وابسته و غیرمولد در سنین کودکی و کهن سالی افزایش می‌یابد.



وابسته وجود دارد و به همین دلیل شرایط مناسبی برای رشد سریع اقتصادی فراهم می‌شود.

اصطلاح دوران پنجره جمعیتی با نام‌هایی نظیر پنجره فرصت و یا پاداش جمعیتی نیز یاد می‌شود، اما موضوع اساسی این است که این پنجره جمعیتی به‌طور خودکار به پاداش جمعیتی تبدیل نخواهد شد و این امر بستگی به سیاست‌ها و اقداماتی دارد که دولت‌ها آن‌ها را به کار خواهند گرفت. کشورها از سه طریق می‌توانند این انفجار جمعیت را به پاداش تبدیل کنند: نخست بایستی اشتغال مولد را برای همه افراد در سنین کار و فعالیت فراهم کنند تا بتوانند به افزایش تولید ناخالص داخلی کمک کنند. دوم اینکه کاری کنند تا درآمدها و پس‌اندازهای افراد صرف سرمایه‌گذاری‌های تولیدی شود. سوم، سرمایه‌گذاری مناسبی در مورد سرمایه انسانی انجام شود. از آنجا که در این دوره از هزینه‌های عمومی مربوط به آموزش و بهداشت کودکان و سالمندان کاسته شده است، زمان مناسبی در اختیار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان قرار دارد تا بتوانند سرمایه‌گذاری بیشتری در تحصیلات افراد انجام دهند. در سطح خرد نیز خانواده‌ها می‌توانند هزینه‌های جاری را به سمت پس‌انداز و ارتقای استانداردهای زندگی جهت دهند.

نکته مهم اینکه این پنجره برای همیشه باز نخواهد بود و در نهایت پس از حدود چهار دهه بسته خواهد شد. پنجره جمعیتی در ایران از حدود سال ۱۳۸۵ باز شده است و پیش‌بینی می‌شود از حدود ۱۴۲۵-۱۴۲۰ رو به بسته شدن برود. استفاده از این دوران منجر به رشد و توسعه اقتصادی و در نهایت پیشرفت کشور خواهد شد. کشورهای شرق آسیا همچون کره جنوبی، سنگاپور و مالزی نمونه‌هایی موفق هستند که توانسته‌اند از این موهبت جمعیتی استفاده کنند و خود را به کشورهای توسعه‌یافته نزدیک کنند؛ اما عدم استفاده از این دوران به تهدیدی برای جامعه تبدیل می‌شود و مشکلاتی همچون افزایش جرم و جنایت و یا حتی بی‌ثباتی سیاسی را به دنبال خواهد داشت.

◆ جمعیت در چه شرایطی می‌تواند به‌عنوان یکی از استعدادهای قوت‌زای کشور تلقی شود؟

جمعیت یکی از مؤلفه‌های اساسی قدرت در هر جامعه‌ای است، اما تنها عنصر ممکن نیست. یک کشور برای قدرتمند شدن علاوه بر اینکه نیاز به حجم کافی از جمعیت دارد، بایستی جمعیتی مولد و کارآمد داشته باشد. پس صرف داشتن یک جمعیت زیاد نمی‌تواند به قدرت و پیشرفت یک جامعه منجر شود. برای مثال کشورهای ژاپن و آلمان دارای جمعیتی سالخورده هستند ولی جزو قدرتمندترین اقتصادهای جهان و پیش‌قدم در نوآوری‌های فناوری در جهان هستند. مهم‌ترین ویژگی جمعیت حال حاضر کشور ما، پنجره جمعیتی است که به روی ما باز شده است. ما تورم جوانی را تجربه می‌کنیم. در سال ۱۳۹۵، حدود یک‌چهارم جمعیت ایران

مجبور به پذیرش قراردادهای کم‌درآمد و موقتی شدند. نخستین تأثیر این شرایط بد اقتصادی، بر میزان‌های باروری بود به‌طوری که در بیشتر کشورها میزان باروری کل کاهش پیدا کرد. یا حتی در کشور سوئد که به لحاظ کیفیت و استانداردهای زندگی همیشه جزو رتبه‌های برتر در جهان بوده است، باروری همیشه تحت تأثیر روندهای اقتصادی بوده و ارتباط نزدیکی بین باروری و چرخه‌های اقتصادی وجود دارد. در مواقع رکود اقتصادی مانند دهه ۱۹۹۰ که میزان‌های اشتغال و درآمد حالت نزولی پیدا کردند، سطوح باروری نیز به‌سرعت کاهش یافت.

به‌طور کلی، از آنجایی که اقتصاد و جمعیت ارتباط نزدیکی با هم دارند، بایستی همزمان روی هر دو متمرکز شد. این تنها راهی است که می‌تواند باعث بهبود سریع توسعه اقتصادی و استاندارد زندگی جامعه شود.

◆ کارشناسان معتقدند ایران امروزه در یک پنجره فرصت جمعیتی واقع شده است. لطفاً در مورد پنجره جمعیتی توضیح دهید و این‌که بهره‌برداری از این فرصت چه نتایجی به دنبال خواهد داشت؟

جمعیت‌ها در گذر زمان دارای ساختارهای سنی متفاوتی هستند. در هر دوره‌ای بخشی از گروه‌های سنی در اکثریت خواهند بود. در فرآیند گذار سنی است که پنجره جمعیتی باز خواهد شد. تغییرات در ساختار سنی جمعیت دارای سه مرحله اصلی است. در مرحله اول، جمعیت جوان است و افراد زیر ۱۵ سال، سهم عمده جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند به‌طوری که حداقل ۴۰ درصد کل جمعیت را این افراد شامل می‌شوند. در این مرحله بیشتر منابع جامعه صرف هزینه‌های بهداشتی و آموزشی کودکان می‌شود. ما تا حدود سال ۱۳۷۵ در چنین وضعیتی قرار داشتیم. در مرحله سوم، شاهد افزایش سهم سالمندان (افراد ۶۵ ساله و بالاتر) در جمعیت خواهیم بود. زمانی که سهم این افراد از کل جمعیت ۱۰ درصد و بیشتر باشد، در اصطلاح جمعیت‌شناسی، جمعیت سالخورده خواهد شد. در این مرحله، مسائل و موضوعاتی همچون بازنشستگی و تأمین اجتماعی، مسائل بهداشتی و معلولیت‌ها و امکانات رفاهی سالمندان به دغدغه اصلی جامعه تبدیل و منابع صرف آن‌ها خواهد شد. انتظار می‌رود کشور ما از سال ۱۴۲۰ به بعد وارد این دوران شود. در بین این دو موقعیت، یک مرحله میانی قرار دارد. جایی که از نسبت افراد کم‌تر از ۱۵ سال کاسته شده و از طرف دیگر جمعیت بالای ۶۵ سال به حد جمعیت‌های سالخورده نرسیده است. این همان زمانی است که پنجره جمعیتی باز خواهد شد. در این مرحله بیشترین سهم جمعیت به افراد ۶۴-۱۵ ساله تعلق دارد. افرادی که در سنین کار و فعالیت هستند و توانایی تولید اقتصادی دارند. در این دوران نسبت‌های وابستگی به پایین‌ترین حد خود، یعنی کمتر از ۰.۵، خواهند رسید. این بدان معنی است که به ازای هر یک فرد در سن کار و فعالیت، کمتر از یک نفر

سالنامه

مهاجرتی کشور

در سال ۱۴۰۰

نشان می‌دهد

که در بازه زمانی

۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹؛

۳۷،۲ درصد

المپیادی‌ها،

۲۵،۵ درصد

اعضا بنیاد ملی

نخبگان و ۱۵،۴

درصد رتبه‌های

زیر هزار آزمون

سراسری در خارج

از کشور زندگی

می‌کنند. همچنین

یافته‌های یک

پژوهش انجام

شده توسط

رصدخانه

مهاجرت ایران

در شهریور ۱۴۰۰

نشان می‌دهد

که ۵۰ درصد از

فعالان حوزه

استارت‌آپ، ۴۰

درصد از پزشکان،

پرستاران،

محققان و اساتید

دانشگاهی و

۴۴ درصد از

دانشجویان و

فارغ‌التحصیلان

دانشگاه‌ها

تصمیم به

مهاجرت دارند.

گرفتن سایر ابعاد آن، برای یک بخش آن برنامه‌ریزی کرد. ما امروزه با مسائل متعددی در رابطه با جمعیت کشور روبه‌رو هستیم. موضوع اشتغال جوانان، بازشدن پنجره جمعیتی، کاهش میزان باروری کل، مهاجرت نخبگان و ورزشکاران، کاهش نرخ رشد جمعیت و همچنین سالخوردگی جمعیت در دهه‌های آینده بخش از این مسائل هستند.

در برنامه‌ریزی برای جمعیت بایستی همه این موضوعات مورد توجه قرار گیرند. با این حال، موضوع اصلی اولویت‌بندی مسائل پیش‌رو است. مدیران و سیاست‌گذاران کشور با برجسته کردن سالخوردگی جمعیت ایران در آینده، مسائل و موضوعات اصلی زمان حال را نادیده گرفته‌اند. یکی از دلایلی که تقریباً تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های جمعیتی تنها بر افزایش باروری متمرکز شده است، همین موضوع است. بایستی بیان کرد که سالخورده شدن جمعیت اجتناب‌ناپذیر است و افزایش باروری اگر چه ضروری است، اما افزایش باروری، سالخورده شدن جمعیت را متوقف نخواهد کرد و تنها سهم سالمندان در کل جمعیت را کاهش خواهد داد. سیاست‌گذاران بایستی به این نکته دقت کنند که مهم‌ترین موضوع جمعیتی در حال حاضر، پنجره جمعیتی است که حدود دو دهه از باز شدن آن می‌گذرد ولی ما نتوانسته‌ایم از آن بهره‌مند شویم. این در حالی است که جمعیت‌شناسان و اقتصاددانان به‌طور مکرر اظهارهای لازم را به دولت‌مردان در رابطه با عدم استفاده از این فرصت داده‌اند. اگر هرچه زودتر سیاست‌های مناسب و مؤثری اتخاذ نشود، نه‌تنها فرصت طلایی پنجره جمعیتی از دست می‌رود، بلکه منجر به تهدید و چالش‌هایی جدی خواهد شد و سود جمعیتی که می‌توانست برای کشور به وجود بیاید، به‌آسانی به بار جمعیتی تبدیل می‌شود. ♦♦

(۲۰ میلیون نفر) در گروه سنی جوانان ۱۵-۲۹ سال قرار داشتند. چنانچه بتوانیم اشتغال لازم را برای این جمعیت فراهم کنیم، هم می‌توانیم به لحاظ اقتصادی رشد و پیشرفت را تجربه کنیم و هم بسیاری از نگرانی‌ها در رابطه با مسائل جمعیتی کاهش خواهد یافت.

یکی از نکات مثبتی که در جامعه ما وجود دارد و ما می‌توانیم با تکیه بر آن از این پتانسیل استفاده کنیم، نگاه مثبت به خانواده، ازدواج و فرزندآوری است. البته تغییراتی در نگرش نسل‌های جوان‌تر در این زمینه به وجود آمده به‌طوری که آن‌ها را از نسل‌های پیشین متفاوت ساخته است. با این حال یافته‌های پیمایش‌های ارزش‌ها و نگرش‌ها در ایران نشان می‌دهد که خانواده هنوز جایگاه مهم خود را در میان همه نسل‌ها حفظ کرده است. همچنین ایده‌آل‌های باروری افراد به‌طور میانگین بیش از دو فرزند است. این بدان معنی است که اگر شرایط لازم برای جوانان فراهم شود، آن‌ها هم ازدواج می‌کنند و هم تعداد فرزندان مناسب را به دنیا می‌آورند. البته بایستی توجه داشته باشیم که دیگر همانند گذشته نباید از افراد انتظار داشت که چهار فرزند یا بیشتر داشته باشند. چرا که ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به فرزندآوری تغییر کرده است و تجارب بین‌المللی نیز نشان داده است که افزایش باروری بسیار به سختی اتفاق می‌افتد. با این حال، ما چنانچه بتوانیم شرایط لازم را برای افراد فراهم کنیم تا دو فرزند موردنظر خود را به دنیا آورند، بسیاری از نگرانی‌هایمان در رابطه با جمعیت برطرف خواهد شد.

♦♦ چنانچه توضیحات تکمیلی لازم می‌دانید، عنوان فرمایید.

جمعیت یک پدیده چندبعدی است و نمی‌توان بدون در نظر

